

<https://www.aftabekherad.ir>

The Model of Restoring and Recreating Social Trust in Iran

Mojgan Pazan

Received: 2015/08/26

Accepted: 2015/09/13

Abstracts

Trust is one of the foundations of social life that responds to many of the communicative, social, and cultural needs of society and is the source of social interaction, cooperation, and cooperation. With the weakening of traditional relationships in society, trust-building patterns and foundations undergo transformation and change due to the complexity of relationships and the creation of new conditions and relationships, as well as the increasing density of communications. With changing relationships, the need for trust not only does not decrease, but new necessities require that new mechanisms for creating and expanding trust in society emerge and respond to this fundamental need. Recreating trust in complex communities requires institution-building, creating interactive actions, new structuring, and culture-building based on the realities of new social life. Different scholars have tried to present trust modeling in new formats that respond to new social needs and relationships by relying on various variables and factors and introducing different theories. The development and expansion of new social networks, overcoming particularistic tendencies, expanding and expanding generalized trust, increasing the level of participation and interactive actions are among the mechanisms that can facilitate this process. In Iran, new contexts are emerging that have transformed the previous political culture and have provided new conditions in which new actors and spaces have found the possibility of political effectiveness. In the current circumstances, social and political structures must properly protect and safeguard the productive and trust-building processes and overcome the challenges and disorders that have emerged.

Keywords: Social trust, generalized trust, trust-building patterns, new modeling, new structurings

الگوی ترمیم و بازآفرینی اعتماد اجتماعی در ایران

مژگان پازن

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

چکیده

اعتماد از جمله بنیان‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود که به بسیاری از نیازهای ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پاسخ گفته و منشأ تعامل، معاضدت و همکاری اجتماعی است. با تضعیف روابط سنتی در جامعه، الگوها و بنیان‌های اعتمادساز به دلیل پیچیدگی روابط و ایجاد شرایط و مناسبات نوین و همچنین تراکم فزاینده ارتباطات دچار دگرگونی و تغییر می‌گردند. با تغییر مناسبات، نیاز به اعتماد نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه ضرورت‌های نوین اقتضا می‌کند که سازوکارهای جدیدی برای ایجاد و بسط اعتماد در جامعه پدید آمده و به این نیاز بنیادین پاسخ گوید. بازآفرینی اعتماد در اجتماعات پیچیده مستلزم نهادسازی، ایجاد کنش‌های تعاملی، ساخت‌یابی‌های نوین و فرهنگ‌سازی بر مبنای واقعیت‌های زندگی اجتماعی جدید است. لندیش‌مندان متفاوت تلاش کرده‌اند با اتکاء به متغیرها و عوامل گوناگون و معرفی تئوری‌های متفاوت الگوسازی اعتماد را در قالب‌های جدید ارائه دهند که پاسخگوی نیازها و روابط اجتماعی جدید باشد. توسعه و گسترش شبکه‌های نوین اجتماعی، عبور از تمایلات خاص گرایانه، بسط و گسترش اعتماد تعمیم‌یافته، افزایش سطح مشارکت و کنش‌های تعاملی از جمله سازوکارهایی هستند که می‌توانند این فرایند را تسهیل نمایند. در ایران زمینه‌های جدیدی در حال بروز است که فرهنگ سیاسی قبلی را با دگرگونی مواجه ساخته و شرایط نوینی را فراهم آورده است که بازیگران و فضاها را جدید امکان اثربخشی سیاسی یافته‌اند. در شرایط پیش آمده، ساختارهای اجتماعی و سیاسی می‌بایست نسبت به طراحی و الگوسازی نوین، از فرایندهای مولد و مقوم اعتماد به درستی صیانت و پاسداری کرده و بر چالش‌ها و اختلالات بروز یافته غلبه نمایند.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، الگوهای اعتمادساز، الگوسازی نوین، ساخت‌یابی‌های نوین

مقدمه و طرح مسأله

سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان در نقش بنیانی تعریف کرد که ساخت روابط اجتماعی را تسهیل و منشأ تقویت تعاملات اظهاری و کنش‌های حمایتی در سطح اقشار و طبقات اجتماعی می‌گردند. گرچه سرمایه‌های اجتماعی مفهومی است که در دنیای مدرن اهمیت بیشتری یافته و قالبی مفهومی پیدا کرده است، اما اجتماعات بشری همیشه الگوها و بنیان‌هایی را تجربه کرده است که در قالب سرمایه‌های اجتماعی قابل مفهوم‌سازی بوده است. حمایت‌های اجتماعی و پیوندهای عاطفی مبتنی بر خویشاوندی، طایفه‌گرایی و ارتباطات اظهاری و احساسی که ریشه در نسبت‌های خانوادگی و ایلی داشته، کارکرد سرمایه‌های اجتماعی را به اجتماعات کوچک و روابط چهره به چهره و بسته محدود می‌کرد. در اجتماعات مدرن پیوندهای مبتنی بر وابستگی‌های خویشاوندی با توجه به ضرورت‌های جهان مدرن رویکردی عام‌گرایانه یافته و آلترناتیو‌هایی جایگزین آن شده است که مختص اجتماعات جدید است. امروزه سرمایه‌های اجتماعی در پیوندهای متفاوت اجتماعی، ساخت‌یابی‌های نوین، همکاری‌های مشترک با اهداف و ارزش‌های خاص، کنش‌های داوطلبانه و انگیزش‌ها و تمایلات اجتماعی مبتنی بر عقلانیت و شفافیت، صداقت اجتماعی مبتنی بر حمایت‌های تعمیم‌یافته، تعهد و احساس مسئولیت غیرابزاری نسبت به جامعه و محیط پیرامونی که بُعدی نسبتاً کلیت‌یافته در سطح اجزای اجتماعی گرفته است، قابل مشاهده است. این سرمایه‌های اجتماعی است که همکاری‌ها را تسهیل کرده، معاضدت و تعاون جمعی را تقویت و اعتماد تعمیم‌یافته را جایگزین تمایلات خاص‌گرایانه کرده است. اعتماد در اجتماعات جدید ریشه در یک نیاز عقلانی، هوشمندی و گزینش انسان جدید دارد که برای ایجاد زیست جهانی مناسب و بهره‌مند از شاخص‌های آرامش‌بخش، باید به سوی آن حرکت کرد. عبور از تمایلات فردگرایانه و خودپرستانه و جایگزین کردن تعاملات اظهاری به جای انگیزش‌های اقتصادی و ابزاری مقدمه چنین فرایندی بوده که از ذهنیت به سوی عینیت حرکت کرده است. امروزه سرمایه اجتماعی در نقش یک بنیان و زیرساخت اجتماعی، روابط و کنش‌های جمعی را تحت‌الشعاع آثار کارکردی خود قرار داده است. از نگاه دینی سرمایه‌های اجتماعی همان تأکیدات و آموزه‌های مؤکدی هستند که در متون دینی به عنوان ضرورت‌های ارزشی مورد تأکید قرار گرفته و اساساً تأکید دین بر ساخت روابط اجتماعی براساس آن است. از نگاه دینی حمایت متقابل از اجتماع دینی، کمک، معاضدت، عبور از نگاه‌ها و تمایلات خودپرستانه، تأکید بر تعهدات اجتماعی و تفسیر انسان کامل با شاخص‌های مبتنی بر گذشت، ایثار، همدلی و تلاش برای حماییت از مردم و رفع حوائج و نیازها و مساوی دانستن آن به عنوان امر

بنیادین دینی — که اعراض از آن به عنوان عدول از پایه‌های دینی است^۱ — تماماً حکایت از اهمیت سرمایه‌های اجتماعی در ساحت دینی دارد.

نگاهی به سیره رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) حاوی این واقعیت است که الگوی زیست، رویکرد و ساخت رفتاری این بزرگان، مشحون از علائم، نشانه‌ها و الگوهایی است که سرمایه‌های اجتماعی را در ذهنیت دینی مورد تأکید قرار داده و تقویت می‌نماید. بنابراین سرمایه‌های اجتماعی را باید در نقش یک ذخیره و منبع اجتماعی بنیادین تعریف کرد که می‌تواند ساخت روابط اجتماعی را به سوی شفافیت، گسترش و نگرش‌های غیرابزاری و متعهدانه سوق دهد.

سؤال بنیادینی که امروزه ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است، کیفیت دستیابی به اعتماد در جهان پیچیده کنونی است. به تعبیر دیگر چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌توان اعتماد، این رکن بنیادین زندگی اجتماعی را به گونه‌ای در جامعه جدید ایجاد و نهادینه کرد که در روابط مناسب اجتماعی تسری یافته و زیست جهان اجتماعی برخوردار و بهره‌مند از مختصات شود که بتواند آرامش، پیوستگی و کنش‌های ارتباطی را در جامعه تسهیل نماید. چالش‌های ناشی از موانع و محدودیت‌های متفاوت برای ایجاد اعتماد و نهادینه‌شدن آن در اجتماعات جدید از موضوعات و دغدغه‌های جامعه‌شناسان در چند دهه اخیر بوده است. با توجه به تمایزات هویتی، فرهنگی و اعتقادی جامعه ایران این مسأله اهمیت مضاعف می‌یابد که نمی‌توان با الگوهای تقلیدی در کشورهای پیشرفته یا رجوع یک‌جانبه به روش‌های پیشین این بنیان‌ها را ایجاد و نهادینه کرد، دغدغه‌ای که باید برای آن برنامه‌ریزی و تأملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گوناگونی انجام شود تا از ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد اطمینان حاصل کرد.

۱- نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی اعتماد

اهمیت کارکردی سرمایه‌های اجتماعی در جهان جدید به گونه‌ای برجستگی یافته است که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی این مفهوم را در ساختار نظری و تحلیل‌های علمی خود مورد موشکافی نظری و کارکردی قرار داده‌اند. در نگرش نظریه‌پردازانی همانند آپتون، موضوع اعتماد در روابط اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با ارزش‌های سیاسی به‌ویژه ارزش‌های مردم‌سالارانه دارد. در ساختار مردم‌سالارانه کارویژه هر فرد که مسئولیت اجتماعی را عهده‌دار است، کاملاً مشخص بوده و مسئولیت به‌عنوان ضرورت اجتناب‌ناپذیر بقاء کنش سیاسی محسوب می‌شود. فوکویاما نیز تلاش

۱. من اصبح و لم یهتم بالامور المسلمین فلیس بمسلم (نبی اکرم (ص)).

نمود تا موضوع سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در گسترش دموکراسی و اعتمادسازی مورد بررسی قرار دهد.

فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجاری غیررسمی مشترک میان گروهی از افراد می‌داند که با یکدیگر همکاری می‌کنند. اگر اعضای این گروه انتظار داشته باشند که همگی رفتار معقول و صادقانه‌ای نشان دهند، آنگاه به یکدیگر اعتماد خواهند داشت. اعتماد در نگرش فوکویاما به مثابه نیرویی است که باعث می‌شود هر سازمان یا گروهی به شکل کارآمدتر فعالیت کرده و اختلافات خود را ترمیم نماید (فوکویاما، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

از آنجایی که اعتماد یکی از شاخص‌های اصلی نوسازی محسوب می‌شود، نظریه پردازان توسعه همانند «جیمز کلمن»، «لوسین پای» و «دیوید آبتون» رابطه متقابل بین نوسازی، سرمایه اجتماعی و اعتماد برقرار نموده‌اند. در این ارتباط، جیمز کلمن که در زمره نظریه پردازان کارکردگرای نوسازی است، برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت تا تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه دهد. کلمن، سرمایه اجتماعی را جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی و کنش‌های معین افرادی دانست که در درون ساختار بوده و امور اجتماعی را تسهیل می‌کند (Upton, 1960: 13).

می‌توان از رهیافت کلمن درباره ساخت اجتماعی نوسازی و رابطه آن با اعتماد در روابط اجتماعی برای تبیین فرآیندهای مبتنی بر بازآفرینی اعتماد اجتماعی در ایران بهره گرفت. واقعیت آن است که سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد وجود دارد. بیان چنین رویکردی که توسط «بورديو» نیز مورد استفاده قرار گرفته آن است که روندهای کنش اجتماعی و الگوی مشارکت نسبتاً پایدار شهروندان می‌تواند زمینه‌های لازم برای اعتمادسازی را به وجود آورد (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۳).

براساس چنین نگرشی، به هر میزان که نهادهای اجتماعی گسترش بیشتری پیدا کنند و به میزان فراگیرتری نهادینه شوند، زمینه برای شکل‌گیری روابط پایدار بین شهروندان و گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آید. روابط پایدار را می‌توان تابعی از نشانه‌ها و سازوکارهای کنش بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای همکاری‌های متقابل برخوردارند. همکاری‌های متقابل زمینه‌های لازم برای اعتمادسازی را به وجود می‌آورد. به این ترتیب در نگرش جیمز کلمن، میزان مشارکت افراد در یک مجموعه سازمان‌یافته همانند نهاد اجتماعی، حزب سیاسی و حتی هیئت‌های مذهبی می‌تواند زمینه‌های لازم برای اعتمادسازی را به وجود آورد.

۲- نقش نهادهای اجتماعی در اعتمادسازی

مشارکت بادوام در نهادهای اجتماعی منجر به ایجاد صراحت، آگاهی و همکاری شهروندان از الگوی رفتاری دیگران می‌شود. بنابراین اعتمادسازی تابعی از عضویت و مشارکت بازیگران اجتماعی در نهادهای اجتماعی خواهد بود. «پیر بوردیو» همانند کلمن به ضرورت مشارکت اجتماعی توجه دارد، اما برای نشانه‌هایی همانند «سرمایه اقتصادی» اولویت بیشتری قائل بوده است. در نگرش بوردیو هرگونه اعتماد شهروندان به یکدیگر و یا به دولت براساس میزان «منافع اقتصادی» ناشی از کنش و مشارکت حاصل می‌شود.

نقش موضوعاتی همانند سود و منافع در کنش اجتماعی زیرساخت‌های لازم برای ایجاد رابطه بین «سرمایه انسانی»، «سرمایه اجتماعی» و «سرمایه اقتصادی» مورد نظر پیر بوردیو را به وجود می‌آورد. تمامی نشانه‌های یادشده مبتنی بر صراحت در الگوی رفتاری و اعتماد در سازوکارهای کنش همکاری جویانه می‌باشند. به این ترتیب، بازآفرینی اعتماد اجتماعی در هر کشوری براساس نگرش کلمن، آپتون و بوردیو با نشانه‌هایی از مشارکت، نتیجه و آرامش پیوند یافته است (Korny, 1992: 73).

روندهای کنش و مشارکت شهروندان با یکدیگر صرفاً در شرایطی از پایداری بیشتری برخوردار می‌شود که زمینه‌های لازم برای آرامش، تعامل و همکاری متقابل را فراهم سازد. این متغیرها در کنار باورهای عمومی، زیرساخت‌ها و بنیان‌های ارزشی و فرهنگی و عادات و آداب تاریخی و هنجاری جامعه است که می‌تواند جامعه را بهره‌مند از سرمایه‌های اجتماعی نماید. بنابراین می‌توان بر این موضوع تأکید داشت که سرمایه اجتماعی، ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی است. کلمن در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: سرمایه اجتماعی، همچون دیگر شکل‌های سرمایه بسیار پربار است و نیل به اهداف ویژه‌ای را میسر می‌سازد که بدون تحقق آرامش و سود ناشی از سرمایه اجتماعی، همکاری نهادینه‌شده شهروندان با یکدیگر امکان‌پذیر نیست (کلمن، ۱۳۷۷: ۷۴)

شکل دیگری از سرمایه اجتماعی وجود دارد که مبتنی بر شکل‌گیری هنجارها و شبکه‌هاست. هنجارها به‌عنوان پیام جاری در شبکه‌ها مورد توجه رابرت پاتنام قرار گرفته است. پاتنام، سرمایه اجتماعی را در طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها، نهادها و هنجارهای اجتماعی نظیر حزب، نهادهای مدنی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای همکاری جویانه و اعتمادساز در فضای شبکه‌ای تحلیل می‌کند. اما نمی‌توان بر مبنای ساختار فرهنگی جامعه ایران این الگوها را تعمیم و تعمیق بخشید. در جامعه ایران نهادها و کانون‌های مذهبی در ایجاد ارتباط و تعمیق اعتماد مبتنی بر ارزش‌های اعتقادی و

اخلاقی و همچنین اعتماد برآمده از پیوستگی‌ها، حمایت متقابل و روابط غیرابزاری، نقشی اساسی ایفا کرده است که می‌توان با اتکاء بر آن سطح نهادینه‌سازی اعتماد را تقویت و بر مبنای الگوهای فرهنگی تعمیق بخشید. در نگرش پاتنام، شبکه‌ها نقش مؤثری در تسهیل اقدامات هماهنگ و کارآیی جامعه خواهند داشت.

در نگرش رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد بوده و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را برای گسترش همکاری‌های اجتماعی فراهم می‌کند. در چنین نگرشی، نشانه‌های سرمایه اجتماعی، انسانی و اقتصادی متفاوت است. درحالی‌که هر یک از نشانه‌های یادشده می‌تواند در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و همکاری‌های متقابل شهروندان تأثیر مربوط به خود را به‌جا بگذارد. پاتنام بر این اعتقاد است که سرمایه اقتصادی در حساب‌های بانکی و سرمایه انسانی در ذهن افراد جای دارد؛ اما سرمایه اجتماعی در ساختار روابط و الگوی کنش تعاملی افراد برای حداکثرسازی ثبات اجتماعی، امید و تعامل مستتر است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

فوکویاما در تحلیل خود برای تحلیل الگوهای تعامل اجتماعی شهروندان تلاش دارد تا نشانه‌هایی از مشارکت سازنده را مورد توجه قرار دهد. مشارکت سازنده بر مبنای تمایلات، مطلوبیت‌ها، ارزش‌ها و ترجیحات اقشار متفاوت است که می‌توان تحت عنوان دغدغه‌های اهداف مشترک از آنها یاد کرد. فوکویاما در تعریف سرمایه اجتماعی می‌گوید: سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که بین آنها همکاری و تعادل مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌هایی منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

توسعه هر یک از کشورها تحت تأثیر یکی از مؤلفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی انجام می‌گیرد. کشورهایی که دارای رویکرد مبتنی بر همکاری‌های جمعی هستند، از مزیت نسبی مربوط به سرمایه اجتماعی برای نوسازی و توسعه بهره می‌گیرند. کشورهای همانند ایران که در آن به همکاری‌های جمعی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه خاصی شده است و بازدهی آنان در همکاری‌های جمعی واجد دستاوردها و نتایج قابل توجهی بوده است که علاوه بر تقویت سرمایه‌های اجتماعی، نیازمند «سرمایه انسانی» هستند.

جدول ذیل نشان می‌دهد که چه نظریه‌پردازانی درباره سرمایه اجتماعی مطالعه عملی و پیمایشی داشته‌اند. از سوی دیگر، در این جدول می‌توان به متغیرهای مستقل هر نظریه‌پرداز در تحلیل فرآیندهای

مربوط به سرمایه اجتماعی توجه داشت. در نهایت می‌توان شاخص‌های مربوط به اهداف و نشانگان سرمایه اجتماعی را تبیین نمود. چنین رویکردی به مفهوم آن است که تقویت اعتماد اجتماعی در ایران نیازمند به‌کارگیری سازوکارها و فرآیندهایی است که مشارکت نهادی و اجتماعی را فراهم سازد (Korny, 1992: 94).

طبعاً در چنین شرایطی لازم است تا هنجارهایی در فضای شبکه‌های ارتباطی بازتولید شوند که زمینه‌های لازم برای ایجاد اعتماد اجتماعی بین شهروندان را فراهم سازد. شبکه‌های خبری و رسانه ملی در تولید ادبیات، فیلم، موسیقی و برنامه‌های عمومی خود نیازمند پرداختن به مفاهیمی هستند که زمینه‌های ایجاد اعتماد به نهادهای اجتماعی، اعتماد به دولت، اعتماد به ساختار سیاسی را از طریق نشانه‌های مطلوبیت، اثربخشی و سودآوری هر یک از مؤلفه‌های یادشده برای گروه‌های اجتماعی، منعکس سازند.

جدول شماره ۱. نشانه‌های سرمایه اجتماعی براساس هدف و سطح تحلیل نظریه پردازان نوسازی

هدف	تعریف سرمایه اجتماعی	محققان عمده
سلامت جامعه	شبکه‌های اجتماعی فشرده که در ارتباط با سالم‌سازی جامعه و برخورد با جرم و جنایت مؤثرند.	جین جاکوب (۱۹۶۱)
سرمایه اقتصادی	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.	پی‌یر بوردیو (۱۹۷۲)
سرمایه اجتماعی	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که اعضا از آن به‌عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	جیمز کلمن (۱۹۸۸)
توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل‌کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	رابرت پاتنام (۱۹۹۳)
توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی	ذخایر اجتماعی از ارزش‌های مشترک و هنجارهای غیررسمی که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کنند.	فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۷)

در جدول شماره ۱ می‌توان پنج سطح تحلیل را در ارتباط با سرمایه اجتماعی تبیین نمود. هر یک از سطوح تحلیل، بر نشانه‌ای خاص از روند اعتمادسازی تأکید دارد. به‌طور مثال، جاکوب در مطالعات خود به این جمع‌بندی رسید که به هر میزان دولت و نظام اجتماعی در کنترل جرم و جنایت به موفقیت بیشتری دست یابند، جامعه به آنان اعتماد بیشتری خواهد داشت. رابرت پاتنام به موضوعات هنجاری توجه داشته و رابطه هنجاری شهروندان را عامل اصلی ایجاد اعتماد می‌داند. پاتنام بر این اعتقاد است که رابطه هنجاری زمینه‌های لازم برای نوسازی را نیز به‌وجود می‌آورد (پاتنام، ۱۳۷۹: ۷۲).

در این فرآیند، می‌توان رهیافت جیمز کلمن را براساس نشانه‌های ساختار اجتماعی تحلیل نمود. هرگونه اعتمادسازی در نگرش کلمن مبتنی بر سازوکارهای سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی در پیوند تعاملی جامعه، شهروندان و نهادهای سیاسی حاصل می‌شود. فوکویاما رویکرد نسبتاً مشترکی با کلمن درباره روندهای اعتمادسازی دارد. اعتمادسازی را ناشی از ارزش‌های مشترک و هنجارهای غیررسمی می‌داند که زمینه‌های همکاری برای نیل به سود، آرامش و مشارکت را فراهم می‌سازد.

بنابراین هم زیرساخت‌های ذهنی و نظامات فکری، اعتقادی و ارزشی زمینه‌ساز بروز، تقویت و تعمیق اعتماد و سرمایه‌های اجتماعی هستند و هم بنیان‌های اجتماعی که در قلب شبکه‌های ارتباطی، کنش‌های تعاملی و اظهاری، پیوندها و همکاری‌های غیرابزاری و... در اجتماعات بشری پدیدار گشته‌اند. پیوند بین این دو وجه می‌تواند منابع و بنیان‌های مستحکم و مستمری پدید آورد که در قالب چشمه‌ای جوشان اعتماد اجتماعی را در قالبی نوین و مبتنی بر مقتضیات زمان بازتولید و بازانتشار نماید.

۳- روندها و الگوهای اعتمادسازی در ساختار اجتماعی ایران

سؤالی که اکنون باید به آن پاسخ گفته شود این است که اعتماد از طریق چه معیارها و مکانیزم‌هایی قابل بازسازی و تعمیق و نهادینه شدن است؟ گرچه این فرایند پیچیده و نیازمند بررسی‌های دقیق است، اما در یک نگاه کلی می‌توان برخی از زمینه‌ها و زیرساخت‌های اعتمادسازی را مورد بررسی و تبیین قرار داد.

ضرورت‌های اعتمادسازی الگویی و فرآیندی ایجاب می‌نماید که روندهای هنجارسازی براساس امید و اعتماد حاصل شود. تحقق چنین اهدافی نیازمند بهره‌گیری از زیرساخت‌های روابط اجتماعی

یعنی خانواده و مدارس ابتدایی است. مدارس و کتاب‌های درسی از جایگاه ویژه‌ای برای بازتولید اعتماد اجتماعی در ایران برخوردارند. پیگیری چنین فرآیندی بدون توجه به ضرورت‌های سازمانی و شبکه‌های اجتماعی حاصل نمی‌شود. مفاهیم و ادبیاتی که در خانواده شکل می‌گیرد و یا اینکه در حوزه آموزش دبستانی منعکس می‌شود با ذهن ناخودآگاه نوجوانان پیوند می‌یابد.

برخی از نشانه‌های بی‌اعتمادی تبدیل به موضوعات اجتماعی شده است. فیلم سینمایی را می‌توان به‌عنوان بخشی از نشانه‌های امر اجتماعی دانست. به‌طور مثال سناریو و فیلمنامه برخی از فیلم‌های ایرانی بیانگر آن است که برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی همانند دروغ و اعتمادگریزی تحت تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و ساختاری در جامعه ایران بازتولید می‌شود. چنین فرآیندی به‌مفهوم آن است که حتی افراد و گروه‌هایی که دارای نشانگان کنش اخلاقی هستند در فضای مربوط به محدودیت‌های اجتماعی وارد بازی بی‌اعتمادی، هنجارگریزی و غیرواقعی نشان دادن مؤلفه‌های هنجاری شده‌اند. چنین رویکردی به‌مفهوم آن است که ضرورت‌های اجتماعی در شکل دادن و بازتولید فرهنگ اعتماد به‌عنوان زیربنای کنش اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

بنابراین ساختار فرهنگی جامعه و به ویژه نهادهای فرهنگ‌ساز، مولدان فرهنگ، نهادهای جامعه‌پذیرکننده مثل خانواده، نهاد تعلیم و تربیت، تولیدات فرهنگی، هنری، دینی و رسانه‌ای به ویژه در بازتولید و بازنشر فرهنگ اعتماد نقش و کارکردی بنیادین به عهده دارند. اینان کارگزاران امر فرهنگی و ساخت دادن به ترجیحات اجتماعی و الگوهای رفتاری هستند. تولیدات و الگوهای رفتاری و ساخت هنجاری حاکم بر این ساختارهاست که می‌تواند در ایجاد نظامات گفتمانی، ساخت ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تعمیق الگوهای فرهنگی مبتنی بر اعتماد نقشی بی‌بدیل و جریان‌ساز داشته باشد. گرچه نشانه‌های آسیب‌شناختی از الگوسازی منفی در برخی از تولیدات فرهنگی مشاهده می‌شود که می‌تواند الگوهای بدبینی و بی‌اعتمادی را ترویج و مانع از گسترش و تعمیق فرهنگ اجتماعی متناسب با آموزه‌های فرهنگ تاریخی و دینی کشور باشد، اما تلاش‌ها و نشانه‌های مناسبی نیز به ویژه از منظر نظری و ارزش‌های دینی و تأکیدات و جهت‌گیری‌های گفتمانی در کشور وجود دارد که به کنش‌های مبتنی بر اعتماد و تعمیق سرمایه‌های اجتماعی تأکید می‌نماید. با توجه به سطح چالش‌های موجود در این عرصه و تلاش‌های سازمان‌یافته برای تضعیف سرمایه‌های اجتماعی مبتنی بر فرهنگ، ارزش‌ها و اخلاق و جایگزین کردن سرمایه‌های مبتنی بر سازه‌های نسبی‌گرایانه و این‌جهانی و ابزاری، ضرورت‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در این عرصه به یک نیاز راهبردی کشور مبدل گردیده است. عملیاتی کردن و ترویج

فرهنگ اعتماد که ریشه و بنیان اخلاقی، دینی و فرهنگی عمیقی در ساخت فرهنگ جامعه ایران دارد، می‌تواند از ضرورت‌های راهبردی کشور در این عرصه باشد.

۳-۱- نقش شبکه‌های اجتماعی و جامعه شبکه‌ای در بازآفرینی اعتماد اجتماعی ایران:

ساختار قدرت اجتماعی برای اعتمادسازی در ایران تابعی از ارزش‌ها، ساختارهای سیاسی، مرجعیت‌های ارزشی و فضای جامعه شبکه‌ای است. در هر محیطی که نشانه‌هایی از پیوند اقتصاد اطلاعاتی، صنایع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباطی فراگیر وجود دارد، می‌توان نشانه‌های قدرت نرم را در جامعه شبکه‌ای مشاهده کرد. واقعیت آن است که در سال‌های بعد از جنگ سرد، انقلاب اطلاعات، جوامع و شبکه‌های مجازی پدید می‌آید که از مرزهای ملی فراتر می‌روند. شرکت‌های فراملیتی و نقش آفرینان غیردولتی، نقش‌های بزرگ‌تری را برعهده خواهند گرفت (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴).

در جامعه شبکه‌ای طیف گسترده‌ای از بازیگران ایفای نقش می‌کنند. هر بازیگر نقش هم‌تکمیلی با سایر بازیگران خواهد داشت. بسیاری از آن سازمان‌ها، قدرت نرم خود را خواهند داشت؛ چون شهروندان را جذب ائتلاف‌هایی می‌کنند که فارغ از مرزها و محدوده‌های ملی هستند. رهبری سیاسی تا حدی به رقابت برای جذابیت، مشروعیت و اعتبار تبدیل می‌شود و توانایی مشارکت در اطلاعات و باورنلدن خود به دیگران به منبع مهمی برای جذابیت و قدرت مبدل می‌گردد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۹۵).

شبکه‌های اجتماعی هم می‌توانند قالب‌های مدرن داشته باشند و هم می‌توانند ریشه در سنت تاریخی و قالب‌های فرهنگی و جامعه‌ای داشته باشند. بنابراین تنها الگوهای مدرن شبکه‌سازی — که مورد اعتنای کشورهای پیشرفته صنعتی است — را نمی‌توان مدلی منحصر به فرد دانست. با نگاهی به حقایق و واقعیت‌های جاری در کشورهای غیرغربی به ویژه ایران می‌توان نمونه‌ها و الگوهای شبکه‌سازی اجتماعی را مورد ملاحظه قرار داد که گرچه ممکن است با قالب‌های غربی قابل انطباق نباشند، اما از نظر کارکردی و ساختار ارزشی و نوع کنش‌های ارتباطی حاکم بر آن می‌توان آنها را نمونه‌های منحصر به فردی دانست که در ساخت‌یابی و شبکه‌سازی‌های مدرن واجد کارکردها و نتایج اجتماعی و سیاسی گوناگون و پردامنه‌ای هستند. نمونه این شبکه‌های بومی را می‌توان در بسیج سپاه پاسداران، هیئت‌های مذهبی، شبکه مساجد، شبکه حوزه‌های علمیه، شبکه روحانیت، ائمه جماعات و جمعه در سراسر کشور و... مورد ملاحظه قرار داد. گرچه بیشترین شبکه‌ها بنیان‌های مذهبی دارند، اما از نظر کارکرد، واجد مسئولیت‌ها و کارکردهای اجتماعی گوناگونی هستند که در

تقویت و تعمیق سرمایه‌های اجتماعی و اعتمادسازی غیرابزاری و تعمیق‌یافته نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کنند.

محتمل‌ترین برندگان در عصر اطلاعات کسانی هستند که دارای مجاری ارتباطی فراگیر، رسوم و اندیشه‌های فرهنگی نزدیک به هنجارهای مناسب و قالب‌های اعتباری هستند که به واسطه ارزشها و سیاست‌های چند بعدی تقویت می‌شوند. واقعیت آن است که در فضای جامعه شبکه‌ای، کنترل منابع قدرت نرم دشوار است. بسیاری از منابع مهم آن خارج از کنترل دولت‌ها قرار دارند و آثار آنها شدیداً متکی به پذیرفته شدن از سوی مخاطبان است.

در فضای جامعه شبکه‌ای، قدرت اجتماعی ماهیت پیوندی و خوشه‌ای دارد. از آنجایی که جامعه شبکه‌ای حاصل عصر اطلاعات است و تحولات جدید اجتماعات بشری است، بنابراین می‌توان تأکید داشت که «اطلاعات» قدرت است و امروز بخش بسیار بزرگی از جمعیت جهان به این قدرت دسترسی دارند. پیشرفت‌های فن‌آوری به کاهش چشمگیر در هزینه پردازش و انتقال اطلاعات منجر شده و نتیجه آن انفجار اطلاعاتی است که «پارادوکس فراوانی» را پدید آورده است (Giddens: 1987: 231).

شبکه‌های اجتماعی علاوه بر تولید قدرت، در ایجاد کنش‌های ارتباطی و تولید اطلاعات نیز نقشی بی‌بدیل و مؤثر ایفا می‌کنند. توجه به نقش و کارکرد اطلاعات، به یک امکان کمیاب تبدیل می‌شود و کسانی که می‌توانند اطلاعات با ارزش را از انبوه خرده‌ریزهای پس‌زمینه تشخیص دهند، قدرت را در اختیار می‌گیرند. دنیای سیاست قدرت سنتی مربوط به آنهایی است که قدرت نظامی و اقتصادی برتری دارند. سیاست در عصر اطلاعات ممکن است در نهایت مربوط به کسانی باشد که حرفشان پذیرفته می‌شود. شهرت همواره در مدیریت نقش مهمی داشته است، اما در حال حاضر نقش اعتبار و باورپذیر بودن به دلیل «پارادوکس فراوانی»، در حال تبدیل شدن به مهم‌ترین منشأ قدرت است (Torabi, 2007: 26).

با توجه به نقش جامعه شبکه‌ای و شبکه‌های مجازی در فرآیندهای سیاسی — اجتماعی کشور می‌توان به این جمع‌بندی رسید که فضای اجتماعی ایران با حوزه‌های شبکه‌ای و مجازی پیوند فراگیر و گسترده‌ای دارد. ابزارهای ارتباطی در شکل‌گیری قالب‌های هنجاری حتی در فضای رقابت‌های سیاسی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای بازتولید الگوهای رفتاری را به وجود آورد. شبکه‌های اجتماعی چنانچه در بستری هنجاری، کارکردی و گرایش‌های ماهوی، فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه عمل کنند از قابلیت لازم برای بازآفرینی اعتماد اجتماعی

برخوردار هستند. تحقق چنین فرآیندی نیازمند آن است که ارباب رسانه و نخبگان سیاسی از سازوکارهای مربوط به نقش‌یابی فرهنگی برای بازتولید اعتماد اجتماعی استفاده نمایند.

۲-۳- نقش سیاست فرهنگی در بازآفرینی اعتماد اجتماعی ایران:

بخش قابل توجهی از الگوهای کنش اجتماعی جامعه ایران تحت تأثیر مؤلفه‌های سیاست فرهنگی قرار دارند. واقعیت آن است که سیاست فرهنگی ایران تحت تأثیر ضرورت‌های سیاسی و دفاع از نظامات هنجاری و اخلاقی بازتولید می‌شود. اگر زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از هنجارهای اجتماعی در قالب سیاست فرهنگی حاصل گردد، طبیعی است که زمینه‌های مؤثر برای کنش ارتباطی همکاری‌جویانه بین نخبگان و گروه‌های اجتماعی حاصل می‌شود.

بهره‌گیری از سیاست فرهنگی برای تحقق اهداف مورد نیاز جامعه ایران در روند اعتمادسازی، ارتباط فراگیری با موضوع تبادل ارتباطات دارد. نشانه‌های جامعه‌شناسی فرهنگی را می‌توان در قالب «فضای هنجاری» تحلیل نمود که زمینه‌های لازم برای همبستگی جامعه، مردم، نهادها و ساختار دولت را فراهم می‌سازد. اگرچه هر یک از مفاهیم یادشده دارای نقش و کارکرد متفاوتی هستند، اما به دلیل فضای ارتباطی نشانه‌هایی از همبستگی مفهومی را می‌توان بین چنین مجموعه‌ای مشاهده نمود.

آزادی ارتباطات و تبادل اطلاعات در کشورهای دموکراتیک به این دلیل انجام می‌گیرد که زنگ خاموش «حالت مورد انتظار»^۱ سیستم زنگ است و زنگ در حال نواخته شدن، «حالت هشدار دهنده»^۲ آن است. ارتباطات را می‌توان به‌عنوان ابزاری برای گسترش شبکه‌های اجتماعی فشرده دانست. جاکوب بر این اعتقاد است که بازتولید اعتماد اجتماعی در هر کشوری مربوط به شرایطی است که از شبکه‌های اجتماعی و الگوهای مربوط به سیاست فرهنگی برای بهینه‌سازی چهره عمومی شهر و روابط اجتماعی شهروندان استفاده شود (Fukuyama, 2001: 5).

مقابله با تهدیدات زیرپوستی در نگرش جدید ماهیت راهبردی داشته و صرفاً از طریق بازتولید الگوهای فرهنگی و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی فراگیر امکان‌پذیر خواهد بود.

سیاست‌های فرهنگی هر جامعه‌ای باید مبتنی بر چند اصل اساسی سامان یابد:

^۱. Expected State

^۲. Alerting State

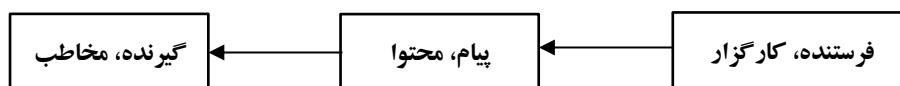
۱. تعمیق و تقویت فرهنگ مبتنی بر تعامل، کنش‌های اظهاری، ساخت هنجاری و اخلاقی جامعه
۲. حمایت و صیانت از کنش‌های ارتباطی و زیرساخت‌های فرهنگی هویت‌آفرین و ممانعت از جایگزینی فرهنگی الگوهایی که با ساخت ارزشی و هنجاری جامعه مغایرت داشته و نوعی مقاومت و یا تعارض و گسیختگی فرهنگی و اجتماعی را سبب می‌گردند.
۳. انتخاب الگویی که ضمن پاسخگویی به نیازهای اجتماعی «قالبی گفتمانی» یافته و به دلیل تناسب و انطباق با نیازهای اجتماعی قدرت و قابلیت هژمونیک شدن می‌یابد.
۴. قدرت تبدیل سیاست و گفتمان نیازها و رویکردهای خود ارزیابی کرده و با آن احساس همنوایی و همگرایی نمایند.
۵. ایجاد فضای تعاملی در قالب‌های ساخت‌یافته، کارآمد و روزآمد که به نیازهای ارتباطی، کنش‌های اظهاری، مشارکت و پویایی اجتماعی که مولد سرمایه اجتماعی و تعمیق اعتماد متقابل اجتماعی است به درستی پاسخ گوید.
۶. ممانعت از مداخله امر سیاسی و یا سیاسی شدن امور و یا نگاه ابزاری به الگوهای شبکه‌سازی اجتماعی یا شبکه‌های فعال اجتماعی به گونه‌ای که مانع از پیوستن عناصر اجتماعی به آن و یا ایجاد فضای مناسب برای مشارکت مؤثر تمامی آحاد اجتماعی باشد.
۷. فرهنگی به امری اجتماعی و مردمی به طوری که فرایند
۸. اجتماعی شدن این رویکردها تسهیل و اقشار متفاوت اجتماعی آن را بخشی از ضرورت‌ها، این سیاست‌ها و رویکردهاست که می‌تواند در ایران فضای تعاملی و ارتباطی را تعمیق بخشیده و اقشار متفاوت به ویژه جوانان را به سوی میدان‌های تعاملی هدایت و از سوءاستفاده‌های ابزاری و غیرهنجاری ممانعت نماید.

۳-۳- نقش کارگزار و پیام ارتباطی در بازتولید اعتماد اجتماعی در ایران:

بازتولید اعتماد اجتماعی در ایران نیازمند سازوکارهایی است که نخبگان و کارگزاران نظام بتوانند «گفتمان‌هایی» را تولید نمایند که اعتماد اجتماعی را برانگیزد. تجربه تاریخ سیاسی ایران نشان می‌دهد که اگر نشانه‌های اعتمادسازی در روابط اجتماعی ایجاد شود، نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که نخبگان و ابزارهای ارتباطی می‌توانند زمینه‌های انتشار آن را در جامعه فراهم سازند. به‌طور کلی با بهره‌گیری از «نظریه انتشار» می‌توان برای بهینه‌سازی روندهای اعتمادسازی اجتماعی در ایران استفاده کرد.

مدل ارتباطی شانون برای پیام، محتوا و گفتمان نقش محوری قائل است. شانون در مدل ارتباطی خود بر مفاهیمی همانند کانال ارتباطی، پیام و گیرنده تأکید دارد. هر یک از مجموعه‌های یادشده را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرآیند و تحلیل کنش ارتباطی دانست. شانون برای سنجش عناصر حاشیه‌ای بر تحلیل فرآیند کنش ارتباطی، چندین واژه کلیدی را وارد مطالعه عمومی ارتباطات کرد. واژه‌ها و مفاهیمی همانند کانال^۱، پارازیت^۲، زواید^۳ و بازخورد^۴ را می‌توان در زمره اصلی‌ترین مفاهیم مدل ارتباطی شانون برای تحلیل فرآیندهای اجتماعی و سیاسی دانست (Barker, 1999: 245).

مدل شانون در تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی براساس مدار سیستم تعریف و تبیین می‌شود. هر مدار دارای کانال‌های ارتباطی خاصی است که مفاهیم را به بازیگران و مخاطبین اجتماعی منتقل می‌کند. الگوی کنش متقابل مخاطبین نیز در کانال انجام می‌گیرد. در چنین شرایطی می‌توان نشانه‌هایی از سیستم باز را مشاهده نمود. در سیستم باز، کانال و پیام نقش محوری دارد. در این مدل، کانال به‌عنوان محور سیستم فیزیکی حامل سیگنال انتقالی است. در این مدل، امواج صوتی تولیدشده آوایی می‌توانند از طریق هوا یا از طریق کانالی الکترونیکی انتقال یابند. فضای ارتباطی و سیگنال‌های رقیب نقش محوری در الگوی کنش ارتباطی بازیگران خواهند داشت. نمودار ذیل نشان می‌دهد که در روند اعتمادسازی و بازآفرینی اعتماد اجتماعی می‌بایست زمینه‌های لازم برای ساخت‌یابی اجتماعی از طریق مشارکت نخبگان، گفتمان و نیروهای اجتماعی به‌وجود آید.



ارتباطات در دنیای جدید واجد مختصات و ویژگی‌های متفاوتی است که در کارکردی بودن آن و ایجاد روندهای اعتمادساز بسیار مؤثر است. ارتباطات در دنیای جدید مستلزم مختصاتی همچون (۱) شفافیت؛ (۲) تعاملی بودن؛ (۳) پاسخگو بودن (به نیازها)؛ (۴) روزآمدی؛ (۵) ساختاری و سازمان‌یافتگی؛ (۶) امکان مشارکت فعال؛ (۷) خلاقیت و نوآوری روش‌شناختی؛ (۸) پیام و محتوای مؤثر و مبتنی بر نیازهای مخاطب؛ (۹) نوسازی و نقادی مستمر درونی؛ (۱۰) غیرابزاری و غیرمقطعی است. این مختصات فضای شفاف، هنجاری و اخلاقی‌ای می‌آفریند که بازیگران ضمن بهره‌مندی از فضای ارتباطی مناسب و اعتماد و اطمینان کافی و لازم در فرایند کنش‌های تعاملی، از قدرت و قابلیت لازم برای اثربخشی برخوردار و خود را در آن یک کنشگر فعال و نه منفعل ارزیابی کرده که

^۱ Channel
^۲ Noise
^۳ Redundancy
^۴ Feedback

خود در روند تحولات و ایجاد فرایندهای مورد انتظار نقش آفرین هستند. این فرایند مستلزم انتخاب و گزینش نظام گفتمانی دقیق و الگوی روش شناختی غیرابزاری است که باید در ساختار ذهنی و هنجاری جامعه رسوخ کرده و مبدل به الگوی غالب شود.

۴- نقش ارائه خدمات عمومی در روندهای بازتولید اعتماد اجتماعی ایران

اگرچه جامعه ایرانی دارای رویکرد و جهت گیری فرهنگی است، اما نشانه های اقتصادی و سود حاصل از تعامل اجتماعی می تواند تأثیر قابل توجهی در الگوهای جدید روابط سازمانی و اجتماعی به وجود آورد. در این ارتباط پیر بوردیو موضوع منافع عمومی را در قالب مؤلفه های اقتصادی و سرمایه اقتصادی برای اعتمادسازی تبیین کرده است. رویکرد پیر بوردیو به مفهوم آن است که نخبگان و کارگزاران اجتماعی می بایست از طریق سازوکارهای مربوط به اعطای خدمات عمومی، زمینه های لازم برای ایجاد سرمایه اقتصادی را در روند اعتمادسازی اجتماعی جامعه ایران به وجود آورند.

اگر خدمات عمومی منجر به جامعه پذیری هنجاری و فرهنگی گروه های اجتماعی نشود، در آن شرایط زمینه برای ایجاد تضادهای سیاسی به وجود خواهد آمد. هرگاه ساختار اجتماعی با نشانه هایی از خدمات عمومی دولت و نهادهای اجتماعی پیوند یابد، زمینه برای کارکردی شدن گروه های اجتماعی و جامعه پذیری مردم و گروه های شهروندی به وجود می آید. اگر گروه های اجتماعی در برخی از کشورها تمایل چندانی به جامعه پذیری سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و راهبردی ندارند، به این دلیل است که خدمات عمومی در مقیاس نیازهای اجتماعی گروه های نوظهور سازماندهی نشده است.

به همین دلیل است که سیاستگذاری خدمات اجتماعی در درون خود نشانه هایی از عمل گرایی را منعکس می سازد. واقعیت های تحلیلی برای شکل گیری اعتماد اجتماعی و یا بازتولید کنش براساس نشانه ها و هنجارهایی همانند اعتماد در روابط بین فردی بیانگر آن است که سیاستگذاری اجتماعی موضوعی دقیق و همه جانبه است چرا که تعهد بسیار بالایی به آرمان رفاه، نیازهای زیباشناختی، استعلایی و خلاقیت ها و رشد و شکوفایی استعداد های انسان دارد. شناخت اینکه چه چیزی برای دستیابی به رفاه تکاملی و تعالی انسان ضروری است، به معنی مطالعه فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای تأمین نیازها و انتظارات گروه هایی است که دارای اندیشه های جامعه گرا در راستای ایجاد تعادل اجتماعی خواهند بود (Bourguignon & Morrisson, 2002: 735).

۴-۱- نقش توسعه اجتماعی در بازآفرینی اعتماد عمومی در جامعه ایران:

یکی از عوامل بنیادین و تأثیرگذار بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی را می‌توان بهره‌گیری از نشانه‌هایی همانند خدمات عمومی دانست. نظریه‌پردازانی همانند فوکویاما، موضوع مربوط به خدمات عمومی را در زمره «ذخایر اجتماعی» قرار می‌دهند. ذخایر اجتماعی از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به وجود می‌آورند. تحقق چنین فرآیندی نیازمند ایجاد ارزش‌های مشترک در روند اعتمادسازی است. فوکویاما ارزش‌های مشترک را عامل بازتولید ذخایر اجتماعی برای همکاری‌های چندجانبه در فضای توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌داند.

ضرورت‌های توسعه اجتماعی ایجاب می‌کند که دولت نقش مؤثری در ارائه خدمات عمومی ایفا نماید. از آنجایی که میزان اعتبارات دولتی برای تأمین هزینه‌های خدمات عمومی گروه‌های شهروندی و اجتماعی محدود است، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که نهادهای اجتماعی قادر خواهند بود تا نقش مؤثری در برنامه‌ریزی و سازماندهی اقتصادی توسعه برای بهینه‌سازی خدمات عمومی ایفا نمایند. خدمات عمومی تکمیلی توسط بخش خصوصی در چارچوب بنیادهای اقتصادی و اجتماعی زمینه لازم برای بهینه‌سازی الگوی کنش اجتماعی همانند صداقت، مشارکت و همکاری را فراهم می‌سازد. هر یک از مؤلفه‌های یادشده بخشی از سرمایه اجتماعی و اقتصادی جوامع در روند بازتولید اعتماد اجتماعی محسوب می‌شوند (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۷).

۴-۲- ایجاد رضایتمندی شهروندی در فرآیند اعتماد اجتماعی در ایران:

اعتماد اجتماعی در شرایطی حاصل می‌شود که زیرساخت‌های لازم برای تعلق گروه‌های اجتماعی به نظام سیاسی فراهم گردد. تحقق این امر نیازمند شرایطی است که ساخت‌های اجرایی در برابر گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. هرگونه اعتمادسازی نیازمند آن است که خدمات عمومی در جهت بهینه‌سازی روابط و رضایت اجتماعی حاصل گردد.

اختلالات، نابسامانی‌ها و جابه‌جایی‌های گفتمانی در ایران مربوط به شرایطی است که نشانه‌هایی از عدم رضایت در فضای اجتماعی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر می‌توان جابه‌جایی‌های گفتمانی را یکی از نشانه‌های کاهش رضایت دانست. در چنین شرایطی نه تنها رضایت گروه‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کند، بلکه جامعه احساس می‌کند که زمینه‌های تحرک گروه‌های اجتماعی برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی محدود بوده و در سطح انتظارات عمومی قرار ندارد.

بهره‌گیری از مفاهیمی همانند رانت‌گرایی، آفازاده‌ها و مقابله با فساد را می‌توان در زمره نشانه‌هایی دانست که رضایت اجتماعی را خدشه‌دار کرده است. طبیعی است که در چنین فرایندی نشانه‌هایی از اعتماد اجتماعی در سطوح میان‌فردی، نهادی، اجتماعی و ساختاری کاهش می‌یابد. رضایت بازیگران در فضای توسعه و نوسازی تابعی از خدمات اقتصادی و رفاهی است که توسط دولت، کارگزاران و یا نهادهای اجتماعی تأمین می‌شود.

برخی از مطالعات نوسازی نشان می‌دهد که برنامه توسعه با قالب‌های کلی برای جوامعی از جمله جامعه ایران که دارای قشربندی‌های اجتماعی متنوع هستند، در ایجاد انسجام و ارتباط ارگانیک با جامعه درخور انتظارات نبوده است. در چنین شرایطی، جامعه در حوزه سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی اجتماعی کماکان دچار چالش‌هایی است که مطلوبیت چندانی برای تحقق انسجام ساختاری را به وجود نیاورده است. اختلالات در فرایند هویت‌یابی و تضعیف و یا فقر و ضعف مشارکت اجتماعی را می‌توان در زمره نشانه‌های مربوط به ارتباط رضایت‌مندی اجتماعی با سازوکارهای اعتمادساز در تفکر و کنش گروه‌های اجتماعی در ایران دانست.

۳-۴- رهیافت جامعه‌گرایی در شکل‌گیری فرآیندهای اعتماد اجتماعی در ایران:

جامعه‌گرایی در زمره رهیافت‌هایی است که محور آن را ترکیبی از موضوعات اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌دهد. رویکرد نظریه‌پردازانی همانند جیمز کلمن و رابرت پاتنام در شکل‌گیری چنین فرآیندی از اهمیت و کارکرد ویژه‌ای برخوردار است. در چنین فرآیندی، خدمات‌رسانی با موضوع اعتماد متقابل دولت و جامعه پیوند می‌یابد. رهیافت جامعه‌گرایان بر این موضوع تأکید دارد که هرگونه خدمات‌رسانی زیرساخت‌های مقبولیت ساختارهای اجتماعی و سیاسی و گذار از بحران هویت را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد.

بخشی از نگرش جامعه‌گرایان مربوط به بهره‌گیری از سازوکارهایی است که زمینه را برای متقاعدسازی گروه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. اگر گروه‌های اجتماعی در فضای اعتمادسازی نسبت به دولت یا برنامه‌های اعلام‌شده قرار گرفتند، در آن شرایط می‌توان نشانه‌هایی از فرآیند اجتماع‌گرایی سازنده را مشاهده نمود. بنابراین، «متقاعدسازی» را می‌توان به عنوان بخشی از الگوهای کنش بازیگران در فضای قدرت شبکه‌ای دانست.

اصلی‌ترین ویژگی قدرت شبکه‌ای در فضا و متن اجتماعی را می‌توان بر اساس نشانگان اشاعه فرهنگی، گفتمان‌سازی و ظهور هویت‌های متفاوت جستجو نمود. واقعیت آن است که هرگاه

ابزارهای ارتباطی گسترش مجازی پیدا کند، زمینه برای شکل‌گیری هویت‌های نوستالوژیک به وجود می‌آید. هویت را می‌توان به عنوان شکل پیونددهنده گروه‌های اجتماعی دانست. سازوکارهای قدرت شبکه‌ای می‌توانند زمینه‌های لازم برای اعتمادسازی مؤثر را فراهم آورند. بخشی از نشانه‌های اعتماد را می‌توان در فضای مجازی و در قالب ادبیات گروه‌های اجتماعی مشاهده کرد (Giddens: 1987: 225).

جامعه شبکه‌ای را می‌توان حاصل فرایندهایی همانند: انقلاب اطلاعات و جهانی شدن دانست. قدرت در فضای اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از نشانه‌های همکاری و متقاعدسازی بازیگران است. نظریه پردازان جامعه شبکه‌ای بر این موضوع تأکید دارند که قدرت اجتماعی محور کنترل ادراک و اذهان است. قدرت اجتماعی می‌تواند نیازهای جامعه شبکه‌ای را که در حال تغییر دادن و کوچک کردن دنیا هستند فراهم سازد. در آغاز قرن بیست و یکم، این دو نیرو موجب تقویت قدرت تمام کشورهای می‌شوند که در صدد حفظ، گسترش و یا کنترل قدرت هستند (دال و استاین بریکنر، ۱۳۹۲: ۷۳).

۴-۴- عدالت‌گرایی و بازآفرینی اعتماد اجتماعی در ایران:

یکی از شاخص‌های اصلی اعتماد اجتماعی را می‌توان در قالب نشانه‌های آرمانی تبیین نمود. جامعه ایران دارای رویکرد ارزشی و آرمانی بوده و تلاش دارد تا اهداف نهفته خود را در قالب نشانه‌های آرمانی بازتولید کند. به همین دلیل است که تفکر اجتماعی و الگوی کنش سیاسی بسیاری از شهروندان ایرانی با مؤلفه‌های آرمانی و ارزش‌های اخلاقی و دینی پیوند می‌یابد. به این ترتیب می‌توان رابطه متقابل بین عدالت و اعتماد برقرار نمود.

در این ارتباط، نظریه‌پردازانی همانند بوردیو که صحبت از مؤلفه‌های اقتصادی و سرمایه اقتصادی به عمل می‌آورند، موضوع عدالت را زیربنای هرگونه اعتماد اجتماعی تلقی می‌کنند. مفهوم عدالت، نخستین بار توسط فیلسوفان یونان باستان به خصوص افلاطون و ارسطو مورد بررسی علمی و عقلی قرار گرفت. به عقیده آنها، عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیز در جایگاه طبیعی خود و اینکه به هر کسی چیزی را بدهیم که شایسته آن است. ارسطو به دو مفهوم عدالت توزیعی و عدالت تفویضی اشاره می‌کند. مفهوم اول بیانگر چگونگی توزیع منابع میان افراد است و مفهوم دوم به رعایت تساوی در دادوستد اشاره می‌نماید. البته عدالت ارسطویی عدالت فراگیری نیست و معامله برابر با افراد برابر و معامله نابرابر با افراد نابرابر می‌باشد. اندیشمندان مدرن اما، برابری طبیعی و حقوقی

همه انسان‌ها را صرف نظر از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، جنسیتی در نظر گرفتند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۷۵).

عدالت در حقیقت مفهوم و ارزش اجتماعی است که به دلیل نیازهای نظری و انگیزش‌های درونی تمامی اجزای اجتماعی به آن، در تمامی اعصار به یک مؤلفه اساسی در زندگی اجتماعی مبدل گردیده است. در جامعه تبعیض‌آمیز که آحاد جامعه از حس لازم عدالت برخوردار نباشند، احساس فاصله طبقاتی و اقتصادی به عاملی برای گسست، نارضایتی و انفکاک اجتماعی مبدل و ضمن فرسایش سرمایه‌های اجتماعی، بدبینی و بی‌اعتمادی جایگزین و به الگوی غلب مبدل می‌گردد. عدالت در دنیای جدید از آنچنان اهمیتی برخوردار گردیده است که بخش بزرگی از سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر تعمیق حس برابری، عدالت و فقدان تبعیض متمرکز گردیده است. به‌علاوه عدالت مفهومی دینی است که تمامی ادیان الهی بر آن تأکید و آن را در قلب یک ارزش اساسی که هدف انبیاء بوده است و در تمامی دستورات و معیارهای دینی بر آن تأکید شده است، معرفی کرده‌اند. عدالت بنیانی است که بسیاری از ساحت‌های ارتباطی و پنداشته‌های ذهنی اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. احساس عدالت در ایجاد فضای تعاملی، تعمیق عواطف و تعهد متقابل و ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد در دنیای جدید نقشی اساسی ایفا می‌نماید.

نتیجه‌گیری

روندهای مربوط به اعتمادسازی به‌عنوان هنجار محوری در کنش گروه‌های اجتماعی ایران نیازمند درک دقیقی از روندها و سازوکارهایی است که زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های متقابل را فراهم سازد. در فرآیند شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و گسترش شبکه‌های مجازی، موضوع اعتماد اجتماعی تحت تأثیر موج‌های رسانه‌ای و قالب‌های هنجاری قرار می‌گیرد. هر رویکرد سیاسی می‌تواند آثار خود را در ارتباط با ایجاد احساس همدلی سایر گروه‌ها فراهم آورد.

به این ترتیب می‌توان فرآیندی را ملاحظه نمود که شکل‌گیری روندها و نشانه‌های اعتماد اجتماعی در ایران نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی است. هر یک از نشانه‌های یادشده می‌تواند زمینه‌های گسترش هنجار اعتمادساز را در فضای شبکه‌ای فراهم سازد. شبکه‌های اجتماعی در ایران طی سال‌های دهه ۱۳۹۰ عامل محوری برای انتقال هنجارهای اعتمادساز بی‌اعتمادی به گروه‌های اجتماعی و سیاسی بوده‌اند.

مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ بر این موضوع تأکید داشتند که ابزارهای ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی بخشی از واقعیت‌های تکنولوژیک عصر جدید محسوب شده که می‌بایست براساس نشانه‌های فرهنگ بومی و ساختاری مورد استفاده قرار گیرد. چنین رویکردی به مفهوم آن است که ابزارهای ارتباطی می‌تواند نقش موثری در فضای بازتولید اعتماد اجتماعی به وجود آورد. بنابراین، علوم اجتماعی را می‌توان در زمره حوزه‌های تبیین رابطه قدرت و جامعه دانست. آنچه را که «مانوئل کاستلز» با عنوان «جامعه شبکه‌ای» مطرح نمود را می‌توان به عنوان واقعیت جدید تحول مفاهیم، گفتمان و قدرت در محیط اجتماعی دانست.

بازتولید فرآیند اعتماد اجتماعی در ایران گذشته نشان می‌دهد که جامعه ایرانی برای دستیابی به فرآیند مبتنی بر اعتماد اجتماعی نیازمند احساس عدالت، کنترل جرم و جنایت، قانون‌گرایی، صداقت مسئولین در بیان واقعیت‌های آماری، حفظ آبروی شهروندان توسط نهادهای اجرایی و قضایی، امانتداری مسئولین و درنهایت دستیابی روابط شفاف و صداقت تعمیم‌یافته می‌باشد. رسانه‌های قوی و هوشمند را می‌توان به عنوان بخشی از فضایی دانست که گروه‌های اجتماعی قادر خواهند بود تا پتانسیل نهفته و درونی خود را در فضای ارتباطی منتقل نمایند. هنجاری‌سازی فضای اجتماعی و ساختاری متناسب با انتظارات جامعه زمینه لازم برای تحقق سازوکارهای اعتمادساز را فراهم می‌سازد.

فهرست منابع و مآخذ

- پاتنام، رابرت (۱۳۷۹)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، *رسانه‌ها و ثبات سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، *از بسیج تا انقلاب*، علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دال، رابرت و بروس استاین بریکنر (۱۳۹۲)، *تحلیل سیاسی مدرن*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۶)، *اقتصاد و عدالت اجتماعی: اخلاق و عدالت*، تهران: نشر نی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پلیان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۸)، *سرمایه اجتماعی*، گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، مندرج در: هریسون و هانتینگتون، *اهمیت فرهنگ*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، تهران: انتشارات طرح نو.

کلن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *رفتارهای فرهنگی و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر طرح‌های ملی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان.

Barker, C (1999), "*Virtual Society, Globalization, and cultural identities*",
Buckingham: Open University Press.

Bourguignon, F. and Morrisson, C (2002), "*Inequality among world citizens 1820-1992*", *American Economic Review*, Vol. 92, No. 4, PP. 727-44.

Fukuyama, F (2001), "Social Capital", *Civil Society and Development, Third World Quarterly*, Vol. 22

Giddens, Anthony (1987) "*The Nation-State and Violence*", Berkeley, Calif: University of California Press.

Korny, Jones (1992), "*The Socialist System*", Princeton: Princeton University Press.

Torabi, Yama (2007), "*Assessing the National Solidarity Program: The Role of Accountability in Reconstruction*" Kabul and London: IWA and Tiri.

Upton, Joseph (1960), *the History of Modern Iran*, Cambridge Mass: Harvard Middle East Monograph.